

بلاتکلیفی جنگ‌زده‌ها؛ دیه و خسارت مالی را چه ارگانی پرداخت می‌کند؟
این وکیل دادگستری اضافه می‌کند: «براساس ماده یک «قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران»، شهید فردی است که در راه دفاع از ارزش‌های اسلامی، تمامیت ارضی، استقلال امنیتی کشور و مقابله با تهدیدات و تجاوزات دشمنان داخلی و خارجی انجام وظیفه کرده و به شهادت رسیده باشد. تبصره همین ماده مقرر کرده که شناسایی و احراز مصادیق شهید و ایثارگر بر عهده کمیسیونی است که بنیاد شهید و ایثارگران تشکیل می‌دهد. حتی اگر فرد غیرنظامی در منزل خود کشته شده باشد، آن‌هم توسط اسرائیل که آشکارا دشمن محسوب می‌شود، شهید محسوب می‌شود. حتی جان‌باختگان پیروندهایی که ظاهرا نباید شهید تلقی می‌شدند نیز عرفا شهید محسوب شدند؛ مانند برخی جان‌باختگان سیل استان گلستان.»

پرداخت دیه از بیت‌المال
ترک‌همدانی با تأکید بر اینکه در قوانین موضوعه درباره «شهید» دانستن افرادی که در منازل خود کشته شدند، مقرراتی داریم، اما از باب فقهی باید به این موضوع توجه کرد که آیا دیه به این افراد تعلق می‌گیرد یا خیر، توضیح می‌دهد: «طبیعتاً فردی که با اختیار خود به جنگ رفته، انتظار ندارد در صورت کشته‌شدن دیه‌ای به خانواده‌اش ارائه شود. ارتش و سپاه، نیروهای نظام‌مند دارای بیمه هستند و کارکنان این دو نیرو تحت تکمیل بیمه قرار داشتند. در زمان جنگ بسیج نیروهای خودجوش مردمی بودند که تحت این قانون قرار نداشتند. بنیاد شهید هم برای این موضوع تشکیل شد تا خلاهای موجود را جبران کند و مبالغ یا مستمری‌ای به خانواده این شهدا پرداخت کند. بنابراین موضوع پرداخت دیه برای نیروهای نظامی منتفی است، اما برای فردی که در منزلش کشته شده، موضوع به گونه دیگری است و پرداخت دیه این افراد مربوط به حرمت خون افرادی است که تحت حاکمیت دولت جمهوری اسلامی ایران قرار دارند.»
او ادامه می‌دهد: «براساس قانون مجازات اسلامی، اگر فردی کشته شود اما قاتل او شناسایی نشود، دیه او از بیت‌المال پرداخت می‌شود. به نظر من افسردگی که معتقدند نمی‌توانند دیه خود را دریافت کنند، باید از طریق تدوین دادخواست از دادگاه درخواست پرداخت خسارت کنند. در قانون مجازات اسلامی قدیم آمده بود که اگر قاتل شناسایی شده اما متواری شود و امکان دسترسی به آن نباشد، باید دیه مقتول از طریق بیت‌المال پرداخت شود، اما این وضعیت در قانون مجازات اسلامی جدید مسکوت مانده است. باین‌حال، درباره جان‌باختگان حملات اسرائیل نمی‌توانیم خلبان‌های اسرائیلی را شناسایی کنیم، اما تحت فرماندهی اسرائیل بوده است. از سوی دیگر، به دلیل اینکه ما اسرائیل را به‌عنوان یک دولت شناسایی نکرده‌ایم، امکان مطالبه خسارت از اسرائیل یا خلبان‌های این رژیم در محاکم بین‌المللی منتفی است. بنابراین شهروندان می‌توانند با مراجعه به دادگاه خسارات خود را از بیت‌المال دریافت کنند.»

توقف اخراج دسته‌جمعی کودکان افغانستانی بدون همراه

۳. جدایی از خانواده، خشونت و قاچاق
در موارد متعدد، کودکان بدون والدین یا همراه قانونی از ایران اخراج شده‌اند، درحالی‌که ماده ۱۲، ۱۳ و ۱۵ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، هرگونه اقدام منجر به جدایی اجباری کودک از خانواده را ممنوع و جرم‌انگاری کرده است. همچنین، طبق ماده ۹ و ۳۵ کنوانسیون حقوق کودک و پروتکل اختیاری فروش، فحشا و هرزه‌نگاری کودکان، دولت‌ها موظف‌اند از هرگونه قاچاق یا بهره‌کشی از کودکان جلوگیری کنند. در فقدان نظارت حقوقی بر روند اخراج، احتمال سوءاستفاده یا فرارگرفتن کودکان در معرض شبکه‌های قاچاقی انسان، افزایش می‌یابد و دولت ایران بر پایه ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳ نیز مسئول است که مانع این خطرات شود.

۴. حق شناسنامه و تابعیت
بخش قابل توجهی از کودکان اخراج‌شده، هیچ‌گونه شناسنامه یا مدرک هویتی رسمی ندارند. بسیاری تنها دارای «برگه سرشماری» یا گواهی‌های موقت هستند که از سوی نهادهای رسمی ایران صادر شده‌اند اما واجد ارزش قانونی لازم برای دریافت خدمات آموزشی، درمانی یا حتی حفاظت قانونی نیستند. نظر به مواد ۴ و ۵ ماده ۹۶۶ قانون مدنی بسیاری از کودکان افغانستانی تبار می‌بایست تبعه ایران محسوب شده و مورد شناسایی قانونی قرار می‌گرفتند. از این گذشته، مطابق ماده ۷ کنوانسیون حقوق کودک، همه کودکان حق ثبت رسمی تولد، داشتن نام و تابعیت را دارند و ایران موظف است شرایط تحقق این حقوق را فراهم آورد. همچنین، ماده ۳ قانون ثبت احوال کشور دولت را موظف به ثبت تولد کودکان در هر شرایطی می‌داند. با این حال، در موارد گزارش‌شده، برخی کودکان حتی بدون هرگونه بررسی حقوقی و حتی به صورت خشونت‌آمیز دستگیر و اخراج شده‌اند.

۵. مسئولیت قانونی دولت ایران
مطابق اصول ۱۹۳ و ۲۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، و همچنین تعهدات ناشی از ماده ۹۵۸ قانون مدنی که بر شمول کلی حقوق مدنی برای هر انسان تأکید دارد، و نیز مواد ۲ و ۳ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، دولت مکلف است از همه کودکان –صرف‌نظر از تابعیت یا وضعیت اقامتی– حمایت کند و دسترسی آنها به آموزش، بهداشت، امنیت و خدمات قانونی را تضمین کند. همچنین نظر به اصول چهارگانه پیمان‌نامه حقوق کودک و با عنایت به اصل عدم بازگرداندن اجباری مدرج در ماده ۳۳ کنوانسیون حقوق پناهندگان، اخراج دسته‌جمعی کودکان بدون ارزیابی‌های فردی، نتهتای خلاف قانون داخلی است، بلکه ناقض تعهدات بین‌المللی دولت ایران محسوب می‌شود. نهادهای مدنی حوزه در‌خواست‌ها و مطالبات خود را هم در همین نامه سرکشاده اعلام کردند: «ا توقف فوری و بدون قید و شرط اخراج دسته‌جمعی کودکان افغانستانی، به‌ویژه کودکان بیمار، بدون همراه و متولدشده و دارای سابقه حضور طولانی‌مدت در ایران. ۲. بازگرداندن کودکان جدانشده از خانواده، همراه با خدمات روان‌درمانی فوری برای کودکان آسیب‌دیده. ۳. تضمین دسترسی برابر به آموزش و سلامت برای کودکان افغانستانی ساکن ایران، بدون در نظر گرفتن اوراق هویتی. ۴. رسیدگی حقوقی مستقل به موارد دستگیری‌های خشونت‌آمیز، جدایی غیرقانونی، یا قاچاق در روند اخراج کودکان. ۵. طراحی و اجرای سازوکار رسمی برای ثبت هویت و بررسی حق تابعیت کودکان بدون شناسنامه، با اصلاح موانع قانونی موجود.

رویکرد کنونی، نتهتای ناقض قانون است بلکه نشان‌دهنده غفلت ساختاری از اصول اولیه حقوق کودک است. انتظار می‌رود مرجع ملی حقوق کودک با تکیه بر اختیارات قانونی خود، دولت را به پاسخ‌گویی و اصلاح فوری این روند وادار و گزارش این اقدامات را برای تنویر افکار عمومی منتشر کند.»
امضاکنندگان این نامه، انجمن حمایت از حقوق کودکان، مؤسسه مهرماه، گروه تلاشگران یاری همدل، مؤسسه یاری‌گران کودکان کار بویا، مؤسسه ندای ماندگار دروازه‌غار، جمعیت دفاع از کودکان کار و خبیانان، گروه فرهنگی اجتماعی کیانا، انجمن حمایت از کودکان کار، مؤسسه نوید زندگی کوشا، انجمن درخت کوچک زندگی، انجمن دوست‌داران کودک پویش، انجمن پرند درخت کوچک، انجمن یاری کودکان در معرض خطر و مؤسسه انسان دشواری وظیفه، هستند.

«شرق» از اختلال نرم‌افزارهای مسیریاب و در دسرهایش پس از آتش‌بس گزارش می‌دهد

گم‌شدگان در شهر

از رانندگان خودروها و موتورسیکلت‌ها، مسافران که با اپلیکیشن‌های آنلاین کار می‌کنند، پیک‌ها و شرکت‌های باربری تا کوه‌نوردان و طبیعت‌گردان این روزها بدون جی‌پی‌اس راه را گم می‌کنند

تهران تا کرج و دوباره از کرج به تهران را گذر کرده بود، فقط به دلیل اینکه «میدان ارتش» را با «خیابان ارتش» اشتباه گرفته بود. خودش که نه؛ دختر اصلا اهل پایتخت نبود و شهر را نمی‌شناخت. این سیستم موقعیت‌یاب (جی‌پی‌اس) روی موبایل بود که با اختلال، به جای بلوار ارتش تهران، میدان ارتش کرج را در نقشه نشانه‌گذاری کرد. جلسه مصاحبه کاری که باید ساعت ۱۰ صبح در آن شرکت می‌کرد، به دلیل تأخیر یک‌ساعت‌ونیمه‌ای که خودش هم قصوری در آن نداشت، لغو و به روز دیگری موکول شد و او که برای ساعت ۲ بعدازظهر به سمت شیراز بلیت هواپیما داشت، مجبور شد پروازش را لغو کند. نزدیک یک میلیون تومان خسارت، به‌هم‌خوردن برنامه‌ریزی‌هایش، جنگ اعصاب و میگرنی که تا دو

نیلوفر حامدی

روز‌هایش نکرد، نتیجه جی‌پی‌اسی بود که کارش را درست انجام نداد. ۳۰ روز پس از پایان جنگ ایران و اسرائیل، اختلال جی‌پی‌اس نیز به فهرست در دسرهای مردم ایران اضافه شده است؛ نوعی گرفتاری که زندگی روزمره‌شان را دشوار و انجام ساده‌ترین کارها را پیچیده کرده است و هزینه‌های مادی و معنوی متعددی به زیست آنها تحمیل کرده است. از رانندگان خودروها و موتورسیکلت‌هایی که مردم را به مقصدشان می‌رسانند، مسافران که با اپلیکیشن‌های آنلاین کار می‌کنند، پیک‌های و شرکت‌های باربری تا کوه‌نوردان و طبیعت‌گردانی که دور از شهر و شلوغی در میان دشت و دمن در جست‌وجوی آندکی آرامش، بدون جی‌پی‌اس راه را گم می‌کنند.

جی‌پی‌اس شغلی که سال‌هاست انجامش می‌دهم و به آن مسلطم برای من تبدیل به عذاب و شکنجه شده است. با اینکه شهر را هم به‌خوبی بلدم و میان‌برهایی را می‌شناسم که کمتر کسی آنها را بلد است. اما در دسرمان زیاد شده است. چون این‌طور نیست که جی‌پی‌اس کاملاً قطع باشد، مشکل آنجاست که گمراه‌مان می‌کند. اختلال در جی‌پی‌اس باعث می‌شود سفارش‌دهنده‌های بار اشتباه کنند یا نقطه‌ای که در روی نقشه برای من و همکارانم ثبت شده است، نادرست باشد». همین‌ها هم سبب شده درآمد او به‌شدت افت کند: «در دوران جنگ که مطلقاً هیچ درآمدی نداشتیم، بعد هم که آدمیم کار را شروع کنیم، با وضعیتی که جی‌پی‌اس برایمان ایجاد کرده است اوضاع به هم ریخته است. چندین بار در طول روز توسط گشت‌ها و ایست‌های بازرسی متوقف می‌شویم چون دستور دارند تمام پیک‌ها را برگردن. از طرف دیگر به دلیل همین اختلال در جی‌پی‌اس تعداد سفرهای من در طول روز می‌رقتیم، هم برای من و هم سایر همکارانم کم شده است. بماند که علاوه بر تمام این در دسرها، جنگ اعصاب بیشتری را هم با مردم داریم. همه خسته و کلافه‌اند و این وضعیت شرایط را بغرنج‌تر هم کرده است».

چهار دور بهشت زهرا را چرخیدیم

«قبل از حرکت در خانه روی کاغذ تمام مسیر را می‌نویسم، بعد به نقشه نگاه می‌کنم و سعی می‌کنم شکل راه و مسیر خروجی‌ها را به خاطر بسپارم. در طول مسیر هم مجدداً تلفن به دست و در حال گفت‌وگو با این و آن هستم تا یک وقت گم نشوم. رسیدن به یک نقطه از شهر حالا دیگر شبیه عذاب شده است»؛ این روشی است که «زهرا» انتخاب کرده تا در طول روز مسیر خود را پیدا کند. چون برنامه‌های مسیریابی که داشته دیگر کار نمی‌کند و خودش هم همه تهران را بلد نیست. او هفته گذشته برای شرکت در مراسم خاک‌سپاری یکی از دوستانش که اتفاقاً در اثر شلیک موشک‌های اسرائیلی جانش را از دست داده بود، به بهشت زهرا رفته بود. جایی که با وجود نقشه و برنامه‌های مسیریاب هم به‌سادگی پیدا نمی‌شد و حالا در فقدان این برنامه‌ها کار برای همه دشوارتر شده است: «شاید باورت نشود اما برای اینکه بتوانیم به مقصد برسیم چهار مرتبه تمام بهشت زهرا را دور زدیم. مدام در میان آن بزرگراه‌های ترسناک توقف می‌کردم تا بتوانم از یک نفر راه را بگیرم. من و سایر دوستانم که در خودرو بودیم هم حال خوشی نداشتیم و با شرایطی که برای ما ایجاد کرده بودند حتی نمی‌توانستیم راحت عازم عزاداری برای دوستان شویم».

برای زهرا که به آن منطقه از شهر هم آشنایی ندارد، تجربه گشتن در اتوبان‌های انتهای تهران، آن هم در روزی که عزادار دوستش بود، به تجربه‌ای تلخ و جانکاه بدل شده است: «من بچه مرکز شهر تهرانم و مشخص است که وقتی تابلوی مقایل چشم‌انم باقرشهر باشد، جایی را نمی‌شناسم. از یک جایی هم دیگر هیچ آدمی دیده نمی‌شد و مجبور می‌شدم توقف کنم و برای خودروهای دیگر دست تکان دهم، یا حین رانندگی از یک ماشین دیگر بخواهم که مسیر را به من بگوید. خودتان تصور کنید در آن اتوبان‌ها که همه با سرعت ۱۲۰ در حال رانندگی هستند، در گرمای ظهر تابستانی به چه تجربه وحشتناکی برای یک زن تبدیل می‌شود».

خطر مرگ طبیعت‌گردان در نبود مسیریاب‌ها

معضل فقدان جی‌پی‌اس می‌تواند به افراد متعددی در حوزه‌های کاری و حتی امور عادی روزانه صدمه وارد کند. یکی دیگر از گروه‌هایی که در این شرایط با مشکل مواجه می‌شوند، کوه‌نوردان و طبیعت‌گردها هستند. «شیرین» ۱۰ سالی می‌شود که گروه‌های طبیعت‌گردی را هدایت می‌کند و تورلیدر است.

او می‌گوید از روزی که جی‌پی‌اس‌ها قطع شده است او و همکارانش هشدارهای جدی به بقیه داده‌اند که در مسیریای خلوت تردد نکنند: «فقدان یا اختلال در جی‌پی‌اس می‌تواند خطرات جدی در حوزه کاری ما ایجاد کند. به‌ویژه برای آت‌هایی که به شکل انفرادی کوه‌نوردی می‌کنند، تردد در مسیره‌ای خلوت می‌تواند در نبود جی‌پی‌اس حتی خطر مرگ را به همراه داشته باشد».

به گفته او، در نبود جی‌پی‌اس ریسک خطا بالا می‌رود و امکان استفاده از نیروهای امدادی نیز دشوارتر می‌شود: «در وهله نخست خود فرد، هر چقدر هم که حرفه‌ای باشد امکان دارد راه را گم کند. چون طبیعت همیشه وحشی است و به‌ویژه در کوهستان در چند ثانیه ممکن است همه چیز عوض شود. باران و تگرگ یبارد یا اینکه همه ایجاد شود. در آن صورت هم ریسک خطر کم‌شدن افراد بیشتر خواهد شد و هم اینکه نمی‌توان برای خرید امدادی لوکیشن ارسال‌ال کرد. در صورت امکان ارسال هم آنها ممکن است در فرایند پیداکردن فرد آسیب‌دیده‌ای یا کسی که نیازمند کمک است با مشکل مواجه شوند. به همین دلیل هم از روزی که «جی‌پی‌اس‌ها در ایران با مشکل مواجه شده است، ما مدام به همه توصیه می‌کنیم که انفرادی به کوه و طبیعت نروند و در مسیریای خلوت تردد نکنند».

افزایش ۲۵ درصدی لغو سفر در اسنپ

کسب‌وکارهای اقتصاد دیجیتال از ۲۳ خردادماه که رژیم اسرائیل به ایران حمله کرد، با چالش‌های متعددی روبه‌رو شده‌اند. در این میان هم اختلالات گسترده سامانه‌های موقعیت‌یابی یکی از جدی‌ترین بحران‌ها بوده است که اثر آن را بر خدمت‌رسانی پلتفرم‌های آنلاین می‌توان دید. طبق گزارشی که روابط‌عمومی شرکت اسنپ در اختیار روزنامه «شرق» قرار داده است، تأثیر اختلال جی‌پی‌اس بر عملکرد این مجموعه کاملاً مشهود است: «تحلیل داده‌های اسنپ نشان می‌دهد به طور تقریبی، از شروع جنگ (۲۳ خرداد) تاکنون، میزان لغو سفر از سوی کاربران راننده پس از پذیرش درخواست حدود ۲۵ درصد افزایش یافته است. در این بازه، تعداد تماس‌ها و تیکت‌های ثبت‌شده از سوی کاربران راننده و مسافر با محورت سه موضوع «مشکلات نمایش نقشه»، «خطای نمایش مکان فعلی» و «دریافت درخواست از مبدأ دور» رشد چشمگیری داشته است. این افزایش از تاریخ ۲۵ خرداد، یعنی دو روز پس از آغاز حملات، شروع شد و در ۳۰ خرداد به اوج خود رسید. پس از اعلام آتش‌بس و کاهش محدودیت‌های اینترنت این روند به‌تدریج نزولی شد».

طبق این گزارش، کاربران اسنپ نیز گزارش‌های متعددی درباره این اختلال داده‌اند: «براساس داده‌های پشتیبانی اسنپ، میانگین تماس‌ها و تیکت‌های دریافتی روزانه درخصوص اختلالات نقشه در این بازه افزایش شش‌برابری داشته است. این داده‌ها از گزارش‌های ثبت‌شده کاربران راننده و مسافر اسنپ به دست آمده و محتمل است، به دلیل اختلالات سراسری، گروهی از کاربران اقدام به ثبت گزارش در این خصوص نکرده باشند».

با گذشت یک ماه از آغاز جنگ اما خبر بد اینکه هیچ نشانه‌ای هم از بهبود اوضاع به چشم نمی‌آید. آخرین‌بار، فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت، در این باره اظهارنظر کرده بود. او چهارم تیرماه با اشاره به معضلات مرتبط با اینترنت در دوره پساجنگ عنوان کرده بود: «چون برخی کسب‌وکارها در حوزه اقتصاد دیجیتال هستند، تخصیص اعتبار برای کمک به آنان مصوب شد. مشکلات سامانه‌های مکان‌یابی نیز در حال رفع است». با وجود این، در میان حرف‌های سخنگو نتهتای خسری از بهبود اوضاع برای جی‌پی‌اس شنیده نشد، بلکه نشانه‌ها از استمرار این شرایط خبر می‌داد.



عکس: شهاب‌الدین شهبازی

شهادت بیش از ۱۴۰ زن در کشور

مشاور ویژه رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران گفت: «پس از اینکه فرایند احراز و تطبیق مصداق ایثارگری مجروحان جنگ تحمیلی ۱۲روزه به عمل آید، از طریق مراجع قانونی و ستاد کل نیروهای مسلح، مراحل تعیین جانبازی بر اساس آیین‌نامه مربوطه طی خواهد شد».
مجتبی قاسمی در حاشیه دیدار با خانواده شهیدای جنگ تحمیلی ۱۲روزه رژیم صهیونیستی در جمع خبرنگاران در شهر کرمان گفت: «درباره تعداد جانبازان جنگ ۱۲روزه آمار دقیقی هنوز وجود ندارد، اما حدود پنج‌هزارو ۶۰۰ نفر تعداد مراجعانی بودند که به بیمارستان‌ها مراجعه کردند که بیشترشان درمان سریایی شدند و حدود ۷۰ نفر از مجروحان جنگ به دلیل وخامت اوضاع در بیمارستان‌ها بستری هستند».
به گفته او، بیش از ۱۴۰ شهید زن در این جنگ ۱۲روزه داشتیم که نشان می‌دهد ادعای صهیونیست‌ها مبنی بر هدف قرار دادن صرفاً مراکز نظامی، کاملاً پوچ و واهی بوده است. تعدادی از کودکان نیز در طول جنگ ۱۲روزه با رژیم صهیونیستی شهید شدند و در میان شهدا کودک دومه‌ها، یک و دوساله و تعداد زیادی از کودکان زیر ۱۰ سال به شهادت رسیدند؛ بعضی از شهدای تجاوز رژیم صهیونیستی حتی به مدرسه نرفته بودند یا بدستانی بودند: «تعداد زیادی از شهدای ما مردم عادی بودند، این شهدا هیچ ارتباطی با مراکز هسته‌ای و نظامی نداشتند و برخلاف تبلیغات رژیم صهیونیستی که می‌گوید جنگ ما فقط با حکومت ایران و مراجع نظامی است، کاملاً ادعای پوچ، واهی و دروغین است. مشکل آنها امروز با ایران قوی و مردم است».

کادر درمان در معرض تنش و تروماهای مکرر

ایستنا: مدیر دفتر سلامت روانی، اجتماعی و اعتیاد وزارت بهداشت با اشاره به اینکه کادر درمان و سایر گروه‌های خدمت‌رسان مانند آتش‌نشانان، امدادگران و... در معرض تنش و تروماهای مکرر در بحران‌های مختلف قرار دارند، بر لزوم غربالگری و اقدامات مداخله‌ای سلامت روان در این گروه‌های خدمت‌رسان تأکید کرد.
محمدرضا شالیاقان گفت: «اقتشار عمومی جامعه در هر بحرانی در کانون توجه قرار می‌گیرند. نتهتای اقتشار عمومی جامعه، بلکه افرادی که در بحران‌ها خود یا خانواده آنها نیز آسیب مستقیم دیده‌اند یا در محلی حضور داشته‌اند که مورد آسیب قرار گرفته‌اند، در کانون توجه قرار می‌گیرند. در این میان لازم است به بحران‌ها در هر بحران، خدمت‌رسانی می‌کنند و در خط مقدم کمک به افراد آسیب‌دیده قرار دارند، مانند کادر درمان، پرسنل آتش‌نشانی، گروه‌های پیش‌بیمارستانی، امداد و نجات، هلال‌احمر و نیروهای انتظامی به طور ویژه توجه کرد».
او ادامه داد: «در بحران‌ها به افراد و گروه‌های مختلفی که در سیستم بهداشتی و درمانی خدمت‌رسانی می‌کنند، نیز باید به طور ویژه توجه کرد. این به حالی است که گروه‌های خدمت‌رسان در اغلب اوقات به دست فراموشی سپرده می‌شوند، واضح و مشخص است که کادر درمان در معرض آسیب‌های مکرر قرار دارند و این احتمال وجود دارد که دچار تنش و تروماهای مکرر شوند و به همین دلیل باید مورد توجه قرار گیرند. همچنین کادر درمان باید به این باور برسند که به کمک نیاز دارند». او درباره ضرورت افزایش غربالگری سلامت روان کادر درمان گفت: به طور قطع، میزان غربالگری و مداخلات باید با توجه به ثبات نسبی شرایط نسبت به روزهای گذشته، افزایش یابد. به طور معمول، پس از هر بحرانی شاهد اوج‌گرفتن اختلالات سلامت روان در گروه‌های پرخطر مانند کادر درمان هستیم. جلسات مکرری درباره بررسی وضعیت سلامت روان کادر درمان برگزار شده و برنامه‌ریزی‌های لازم نیز در حال انجام است.